

برای داشتن «اقتصاد پیشرفته و مستقل» و رونق اقتصادی باید به قشر کارگر اهمیت فراوان داد و اگر بخواهیم جامعه کارگری از امتیازات و حقوق شایسته برخوردار باشد، باید بر روی «تولید ملی» تکیه و تأکید کنیم. (۹۶/۲/۱۰)

▼ حرف روز

موشک با اجازه!

در حالی که ستاد کل نیروهای مسلح از نامزدها خواسته بود از ورود مناقشه‌آمیز به مسائل نظامی و دادن آدرس‌های نادرست به مردم اجتناب ورزند، سخنان یکی از نامزدها درباره شهر موشکی سپاه و موشک بالستیک عماد که آنها را عامل متوقف شدن برجام دانسته بود، سبب خوشحالی رسانه‌ها و شبکه‌های تکفیری شد.

موشک‌های بالستیک دوربرد برای دقت بسیار بالا به سیستم ناوبری ماهواره‌ای نیاز دارند که ایران با پرتاب موفقیت‌آمیز ماهواره به فضا، پس از آمریکا، روسیه و چین به این توانمندی دست یافته است. موشک «عماد» نخستین موشک دوربرد جمهوری اسلامی ایران با قابلیت هدایت و کنترل تا لحظه اصابت به هدف است که می‌تواند اهداف مورد نظر را با دقت بالا مورد اصابت قرار داده و به طور کامل منهدم کند. قدرت بازدارندگی این موشک به حدی است که وبگاه «امور دفاعی، موشکی» رژیم صهیونیستی در گزارشی نوشت، موشک «عماد»، ساخت ایران قابلیت پیشی گرفتن بر سامانه دفاع موشکی «پیکان ۳» اسرائیل را دارد.

طبق سخنان این نامزد ما برای ساخت موشک‌ها یا آزمایش آنها باید از آمریکا و انگلیس و حتی رژیم صهیونیستی اجازه بگیریم؛ این در حالی است که سابقه چنین موضوعی در برجام و بحث خرید کیک زرد وجود دارد؛ چنانچه به گفته صالحی تاکنون انگلیس اجازه خرید ۹۰۰ تن کیک زرد را به ایران نداده است و اگر صنایع موشکی ما هم در چنین شرایطی قرار بگیرد، استقلال و امنیت کشور به حراج گذاشته می‌شود. درباره شهر موشکی سپاه هم این نکته گفتنی است که موقعیت مناسب نمایش آن عامل مهم بازدارندگی دفاعی برابر تهاجمات دشمن قسم‌خورده انقلاب اسلامی و ملت ایران به شمار می‌آید. شایان ذکر است، نمایش شهر موشکی سپاه سبب رضایت فرمانده کل قوا شده است و سردار غلامعلی رشید، فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص) در چهارمین سالگرد شهادت شهید تهرانی‌مقدم که در حسینیه امام رضا(ع) هوافضای سپاه (آبان ۹۴) برگزار شد، اظهار داشت: «۱۷ مهر خدمت رهبری مشرف شدیم و ایشان فرمودند، که کار تبلیغاتی سردار حاجی‌زاده کار خوبی بود که شهر موشکی را نشان داد و برای مردم جالب بود.»

▼ گزارش روز

فقط یک راه وجود دارد...

امروز وقتی عقربه‌های ساعت بر روی یازده و پنجاه دقیقه صبح قرار بگیرند، ۹۶ ساعت از وقوع انفجار در معدن یورت استان گلستان گذشته است؛ ۹۶ ساعتی که ما گذرش را در میان هیاهوی انتخابات و مناظره حس نکرده‌ایم؛ اما خانواده کارگرانی که هنوز سرنوشت‌شان در عمق ۱۸۰۰ متری مشخص نیست، ثانیه به ثانیه‌اش را میان یأس و امید، میان مرگ و زندگی به امید یک معجزه و تحقق یک رؤیا گذرانده‌اند، رؤیایی که عزیزترین‌شان را از دل زمین به آنها بازمی‌گرداند؛ آن هنگام که ما در شهرهای مان برنده مناظره را انتخاب می‌کردیم و برای نامزد محبوب مان هورا می‌کشیدیم، خانواده ۲۱ کارگر شریفی که پیکر عزیزان‌شان را تحویل گرفته و به خاک سپردند، تمام این ساعت‌ها را با تلخی و اندوه زیسته‌اند! اما چرا ما فراموش کردیم همراه هموطنان مان در استان گلستان بمانیم و گذر این لحظه‌ها را کمی، فقط کمی برای‌شان آسان‌تر کنیم! پاسخ این پرسش سخت نیست، وقتی فشارهایی وجود دارد تا رسانه ملی پوشش مستقیم و لحظه‌به‌لحظه خود از چگونگی امدادسانی را متوقف کند، وقتی کسانی هستند که مطرح شدن حادثه معدن یورت را در آستانه انتخابات تهدیدکننده سید رأی خود می‌دانند، وقتی یک جریان سیاسی که چند ماه پیش، هنگام فرو ریختن ساختمان قدیمی پلاسکو در خیابان جمهوری، از میان آتش و آوار آن بازی سیاسی استعفا و محاکمه به راه انداخت؛ درست در مسیر عکس گام برمی‌دارد و تلاش می‌کند جامعه به سرعت از موضوع عبور کند، وقتی صفحه اول روزنامه‌ها اعتنای چندانی به حادثه نداشته باشند و توجیه غیر قانونی نبودن محموله وارداتی یک آقازاده از فاجعه در معدن برای‌شان اهمیت بیشتری یابد، چگونه می‌توان انتظار داشت که خانواده این عزیزان تنها نمانند؟ وقتی یک جریان سیاسی منافع خود را بر آگاهی مردم که به همراهی و همدردی و مسئولیت‌پذیری جامعه منتهی خواهد شد ترجیح می‌دهد! نتیجه چگونه غیر از این باشد! ما امروز اگر این نتیجه را نمی‌خواهیم، فقط یک راه برای مان وجود دارد و آن، تغییر شرایط است.

▼ خبر ویژه

تبدیل وزارتخانه‌ها به ستاد انتخاباتی

جمعه گذشته و در حاشیه دومین مناظره نامزدهای انتخابات، ۹ وزارتخانه و سازمان دولت یازدهم آماده‌باش بودند تا این بار به جای جهانگیری در نقش ضربه‌گیر روحانی ظاهر شوند. مناظره دوم اگر هیچ فایده‌ای نداشته باشد، همین که سبب شد مسئولان ۹ وزارتخانه و سازمان دولت یازدهم روز جمعه و تعطیل تن به کار دهند و بیانیه صادر کنند، در نوع خود برای روحانی یک موفقیت محسوب می‌شود. وزارت امور خارجه، وزارت علوم، وزارت دفاع، شورای اطلاع‌رسانی بانک‌ها، سازمان انرژی اتمی، وزارت ارتباطات، وزارت نفت، وزارت آموزش و پرورش و بانک مرکزی نهادهایی هستند که بلافاصله به میدان آمده و با مصاحبه و صدور جوابیه‌ها به کمک روحانی آمدند؛ البته کارنامه دولت یازدهم به خوبی همه واقعیت‌ها را نمایان کرده است. دولتی که در چهار سال گذشته حتی سفرهای استانی خود را به شکلی برنامه‌ریزی می‌کرد که آخر هفته را به تهران بازگردد و بتواند از فرصت آخر هفته و جمعه برای استراحت خود استفاده کند، حالا به یکباره و در روزهای آخر عمر خود جمعه را هم مشغول فعالیت است! اما نه برای انجام امور محوله و برآورده کردن نیازهای مردم، بلکه برای حمایت از حسن روحانی، یکی از نامزدهای انتخابات. این روزها دولت یازدهم عملاً به ستاد تبلیغاتی حسن روحانی تبدیل شده است.